

متن پرسش

سلام علیکم: طاعات قبول. بنده طلبه ای هستم که امسال به سطح دو حوزه علمیه می روم. و مدتی است سوالی ذهنم را مشغول کرده و مرا به یک دوراهی رسانده است. لذا به یاری شما نیاز دارم. (البته تقاضا دارم در پاسخ تان مخاطب را غیر از طلبه ها، جوانان دانشجو و بسیجی نیز در نظر بگیرید) در رابطه به فعالیت فرهنگی عده ای از فضایی عالم می گویند واجب است اما واجب تر برای امثال بنده رسیدن به درس و به طور کلی خودسازی است و باید فعلاً از انجام این گونه امور پرهیز کنیم و فقط به مقدار بسیار کمی برای رفع مسئولیت امر به معروف اکتفا کنیم در نگاه اولیه حرف درستی است. حتی امثال بنده تخصص در امور تربیتی نداریم و راه و روش آن را نمی دانیم مثلاً روش صحیح رفتار با نوجوان و ... اما در مقابل بنده نمی توانم این جملات ایشان را با این چند نکته جمع کنم: ۱. مقام معظم رهبری در صحبت هایشان (مثلاً در حرم رضوی سال ۹۳) در فعالیت های خودجوش فرهنگی صخه گذاشته و حتی فرمودند به جوانان می گویم به فعالیت های خود جوش فرهنگی با جدیت ادامه دهند. خب متبادر به ذهن از جملات آقا این است که مخاطب همین طلاب و جوانان مومن و بسیجی مساجد و هیئات ما هستند، پس می توان نتیجه گرفت آقا به این کار رضایت دارند و طبق دیگر فرمایشاتی که داشتند نظرشان این است که: کار را رها نکنید اما در کنار آن باید خودسازی خودتان درجه اول باشد به طور نمونه فرمودند سطح معرفت خودتان را بالا ببرید و کتاب های شهید مطهری را پیشنهاد کردند. به همین علت احساس می کنم همانطور که امام وقتی فرمان دادند جوانان به جبهه بروند جوانان رفتند و در همان حین جنگ، خودسازی هم کردند و آن اتفاق عظیم در تاریخ اسلام افتاد. الان نیز حضرت آقا چنین چیزی را می خواهند، یعنی می خواهند جوانان وارد میدان جنگ نرم شوند و در همین میانه به تهذیب و علم آموزی بپردازند بلکه اساس را بر این بدانند اما صحنه کار کردن نیز خالی نماند. و باور هم دارم وقتی ما به فرمان ولی فقیه عمل کنیم خدا به دانش و تهذیب ما برکت می دهد. ۲. سن امثال بنده سن جوانی است و اگر به خاطر درس و تحصیل و تهذیب، فعلاً وارد کار فرهنگی نشویم تا اینکه به یک درس و ... را به یک جایی برسانیم، سن جوانی ما از دست خواهد رفت و به نظرم دیگر با سن بیشتر نمی توانیم با نوجوانان ارتباط بگیریم آنطور که الان می توانیم. در واقع در این سن فعلی ما ظرفیتی هست که در سن بالاتر نیست. یک جوان بهتر می تواند با نوجوان ارتباط معنوی برقرار کند و واسطه نورانیت او بشود تا یک مرد ۴۰ یا ۵۰ ساله. ۳. فکر می کنم درس و کار فرهنگی قابل جمع است، هرچند اراده و همتی می طلبد شبیه شهداء. به طور واضح تر و نمونه این به ذهن حقیر می رسد که می توان با شروع یک سیر مطالعاتی و یک برنامه ریزی منظم

برای زندگی در جهت رشد انسانی پس از رسیدن به یک حداقل کار کردن را شروع کرد. لذا برنامه ای مثل آنچه مرقوم می شود را چطور می بینید؟ الف) شروع از کتاب آشتی با خدا / جوان و انتخاب بزرگ / ده نکته از معرفت نفس با شرحش / شرح حدیث ای اباذر / عالم انسان دینی (جهت رسیدن به معرفتی که بتواند فرد را در مسیر صراط مستقیم قرار بدهد) ب) کتاب نامه های بلوغ ، مسئولیت و سازندگی، تربیت و کودک از مرحوم صفائی / تعلیم و تربیت اسلامی علامه جعفری / آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود / کار باید تشکیلاتی باشد از بیانات آقا / سه جلد نسیم مهر آقای دهنوی که اگر با یک ناهنجار رفتاری رویرو شدیم بتوانیم صحیح عمل کنیم / و یک کتاب روانشناسی رفتار نوجوانان و جوانان (جهت رسیدن به یک حداقل معرفت صحیح از راه و رسم فعالیت فرهنگی و تربیتی) از شما استاد و معلم عزیز می خواهم هم به سوالات مطرح شده پاسخ بفرمایید و هم اشکالات را گوشزد کرده و نتیجه گیری کنید... پیشاپیش از شما تشکر کرده و از خدا توفیقات روز افزون برای شما را خواستارم. یا حسین علیه السلام

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر صورت همان طور که خودتان متوجه شده اید باید در عین آن که کار فرهنگی با جوانان را تعطیل نکرد، ولی شما به عنوان یک طلبه به خصوص در ابتدای کارتان باید محض در درس تان باشید و در کنار آن فعالیت های فرهنگی را مدیریت کنید، نه آن که قصه ی شما قصه ی آن کسی باشد که رفت آب بیاورد، آب او را برد. یعنی آن چنان مشغول کارهای فرهنگی و سر و کله زدن با جوانان شوید که فراموش کنید باید یک طلبه ی با سواد و عمیقی باشید. موفق باشید